

مقاله پژوهشی: الگوی مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی

(شناسایی مسائل عمومی)

[20.1001.1.24234621.1400.111.42.9.4](https://doi.org/10.24234/20.1001.1.24234621.1400.111.42.9.4)

حمیده عباسی^۱؛ کرم‌الله دانشفرد^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۶

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر در زمینه خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌باشد و هدف از این پژوهش طراحی و ارائه مدل مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) است. روش: این تحقیق از نظر هدف، اکتشافی است و از نظر روش، تلفیقی از روش‌های کیفی و کمی (آمیخته اکتشافی) است. در مرحله اول به کمک روش کیفی از نوع تحلیل محتوا، اطلاعات از منابع مکتوب و الکترونیکی در حوزه موضوع پژوهش جمع‌آوری شدند و در مرحله دوم، به‌منظور تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی، از تکنیک دلفی استفاده شد. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با کمک نرم‌افزارهای smart pls و spss24 تجزیه و تحلیل شدند و سازه الگو طبق تجزیه و تحلیل‌های به‌عمل آمده، به تأیید رسید. در مجموع این تحقیق الگوی جدیدی را برای مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) معرفی کرده است.

کلید واژه‌ها: مشارکت شهروندان، خط‌مشی‌گذاری عمومی، مسائل عمومی.

۱. دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت، مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران و نویسنده مسئول (رایانامه:

Abbasi.59093@gmail.com)

۲. استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه مشارکت در بستر جامعه‌ای دموکراتیک و مدنی صورتی نهادینه به خود گرفته است. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (مهرگان، فقیهی و میرسپاسی، ۱۳۹۷: ۲). مشارکت مردم در فضای جامعه، بی‌تردید مستلزم استقرار یک فلسفه سیاسی بردبارانه و توسعه‌گرایانه از سوی دولت‌ها است. در حقیقت، مشارکت باید به‌عنوان جزئی از راهبرد شهروندی جامع، پیگیری و منظور شود تا از آن طریق بتوان التزام فوری و نه مقید به امکانات خاص دولت‌ها را به پذیرش تعهدات خویش، در احترام به حمایت و ایفای حق مشارکت به مثابه یکی از حق‌های بنیادین بشری خواستار شد (قاری، ۱۳۹۷: ۴۴). فرایند خط‌مشی‌گذاری با مراحل از قبیل شناخت و درک مسئله، طرح مسئله و تهیه و تدوین راه‌حل‌ها، قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به خط‌مشی، ابلاغ و اجرای خط‌مشی و ارزیابی خط‌مشی شناخته می‌شود (گرچی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۰). شناسایی مسائل از تعریف مسئله شروع می‌شود، برای تعریف مسئله، ابتدا اطلاعات مربوط به نشانه‌ها، علائم و هشدارهای موجود در محیط دریافت شده و سپس تجزیه و تحلیل می‌شوند، آنگاه اوضاع اجتماعی، دولت، گروه‌های ذی‌نفع، مؤسسات بین‌المللی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بر چگونگی تعریف مسئله و اهمیت هر مسئله یا میزان توافقی که بر روی آن وجود دارد، تأثیر می‌گذارند (دانشفرد، ۱۳۹۵: ۴۵)؛ بنابراین فرایند خط‌مشی‌گذاری و حل مسئله عمومی تنها فعالیتی دولتی نیست. به همین جهت، راه‌های پی بردن به وجود مسئله و حل مسائل نیازمند مشارکت عمومی مردم، احزاب، گروه‌ها و نظایر آن می‌باشد.

همان‌طور که اشاره شد، تشخیص و شناسایی مسائل عمومی، به‌عنوان مبنایی برای شروع فرایند خط‌مشی‌گذاری شناخته می‌شود، حال اگر در این مرحله تشخیص و شناسایی مسائل به نحو صحیحی انجام نپذیرد، اجرای سایر مراحل این فرایند نیز به صورت کارا و اثربخش غیرممکن می‌گردد. بنا بر آرای اندیشمندان اجتماعی و سیاسی، مشارکت عمومی منجر به افزایش اعتماد عمومی، تقویت کارایی سیاسی شهروندان، ارتقای سطح آرمان‌های

دموکراتیک و بالا بردن کیفیت تصمیم‌ها می‌گردد. در بحث مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی، عارضه‌یابی و ریشه‌یابی مشکلات نوعی زبان مشترک بین تصمیم‌گیرندگان و عامه مردم ایجاد کرده و از بروز بسیاری سوءتفاهم‌ها و قضاوت‌های نادرست جلوگیری می‌کند. حال اگر شهروندان در عارضه‌یابی و ریشه‌یابی کنار گذاشته شوند و آرای آن‌ها نادیده گرفته شود، به‌عنوان شهروندانی وفادار و متعهد به آرمان‌های جامعه خود قادر به ایفای نقش نخواهند بود. همچنین در صورت عدم انجام اقدامات لازم جهت مشارکت شهروندان، علاوه بر حیف و میل شدن بودجه‌های کلان و محدود دولتی، خسارات جبران‌ناپذیری به دولت و جامعه تحمیل می‌گردد و علاوه بر تبعات عملکردی، ناکارآمد شدن بسیاری از برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصادی و اجتماعی را در پی دارد و در برخی مواقع از تبعات سیاسی این‌گونه قصورات نیز نمی‌توان چشم پوشید. در نتیجه با توجه به اهمیت مشارکت‌های مردمی، پژوهش حاضر به دنبال آن است که ضمن شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و ابعاد دخیل در مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی)، الگویی پی‌ریزی کند تا موجبات کشف راه‌حل‌های جدید مشارکت، اعطای مشروعیت مردمی، ارزش قائل شدن برای آرای مردم را فراهم کند. از این رو پرسش‌های تحقیق با توجه به هدف تحقیق به شرح زیر مطرح شده‌اند:

۱. الگوی مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) چیست؟
۲. ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌شناسی تحقیق

در راستای تشخیص و شناسایی مسائل عمومی، سلیمانی، دانش‌فرد و نجف‌بیگی (۱۳۹۸) به ارائه «الگوی اقتضایی شناسایی مسائل عمومی در فرایند خط‌مشی‌گذاری ایران با

تأکید بر عوامل پیش‌ران» پرداخته‌اند. در این پژوهش از تحلیل مضمون استفاده شده و مصاحبه‌های عمیق با صاحب‌نظران انجام گرفته است. نتایج نشان داده است که بازیگران دولتی شامل دولت، مجلس شورای اسلامی و افراد و نهادهای قانون اساسی، بازیگران غیردولتی شامل گروه‌های ذی‌نفع و گروه‌های ذی‌نفوذ و همچنین حساسیت موضوع، قلمرو موضوع، مقطع زمانی وقوع رویداد و هزینه ایجادشده از طریق رویداد بر فرایند شناسایی مسائل عمومی در ایران تأثیرگذار هستند. رضوی‌نژاد و ملک محمدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی» نشان داده‌اند که به‌منظور گام برداشتن در فرایند سیاست‌گذاری امنیتی، درخصوص شناخت مسئله به‌عنوان گام نخست، باید دقت کافی صورت گیرد، چراکه اگر این مرحله به‌درستی انجام نپذیرد، سایر مراحل نیز دچار انحراف و مشکل خواهند شد؛ بنابراین محققان ضمن تبیین تعریف مسئله، رهیافت‌ها، مراجع و پیشران‌های امنیتی به‌عنوان ملزومات اولیه در سیاست‌گذاری امنیتی، به ضرورت و اهمیت مسئله‌شناسی امنیتی پرداخته‌اند و در ادامه، مجریان مسئله‌شناسی تعیین شده و در پایان نیز شیوه و روش اقدام در فرایند مسئله‌شناسی با تأکید بر ایجاد سازمان‌هایی با وظیفه تخصصی شناسایی مسائل امنیتی ارائه شده است. پورعزت و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «شاخص‌های اولویت‌بندی عادلانه مسائل عمومی» مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و متغیرهای مؤثر بر تعیین اولویت مسائل عمومی را ارائه کرده‌اند که فهرست اولیه این معیارها با تکنیک تحلیل مضمون استخراج گردیده و سپس با استفاده از تکنیک دلفی فازی، آرای خبرگان علمی و اجرایی درباره مدل ارزیابی گردیده است. شاخص‌ها عبارت‌اند از: گستره، فوریت، تسهیل‌گری حل سایر مشکلات عمومی، شدت و تأثیرگذاری بر رعایت ارزش‌های اجتماعی. نتایج پژوهش نشان داده است هر پنج شاخص از اولویت‌شایان توجهی برخوردار بوده و هنگام تعیین اولویت مسئله عمومی باید مورد توجه قرار گیرند.

سیمونوفسکی و همکاران (۲۰۲۱ م) در پژوهشی به بررسی «درگیر کردن شهروندان در شهر هوشمند از طریق بسترهای مشارکت: چهارچوبی برای کارمندان عمومی و توسعه‌دهندگان» پرداخته‌اند. در شهرهای هوشمند، مشارکت اغلب از طریق سکوه‌های

مشارکت اختصاصی رخ می‌دهد که در آن شهروندان می‌توانند رأی دهند، بحث کنند و ایده ارائه دهند. با این حال، سیستم‌عامل‌های فعلی همیشه مطابق با الزامات شهروندان نیستند، همچنین همیشه با واقعیت اداره و الزامات کارمندان دولت همخوانی ندارند. در نتیجه در این پژوهش بررسی شد که یک پلتفرم مشارکت باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد تا با الزامات شهروندان و کارمندان عمومی همسو شود. بررسی کمی از شهروندان و مصاحبه‌های کیفی کارمند عمومی برای استخراج این نیازها انجام شده است. مهم‌ترین الزامات شهروندان، دسترسی آزاد، کاربرپسندی و استفاده دولت از ایده‌ها است، در حالی که مهم‌ترین الزامات برای کارمندان عمومی نمایانند هویت شهر، ویژگی‌های پیشرفته و فراگیر بودن شهر است. لی، سهوی و چوی (۲۰۱۷ م) در پژوهشی به «جایگذاری ویژگی‌های اقلی در مباحث سیاست: پیامدهای طراحی فرآیندهای مشارکت عمومی» پرداخته‌اند. این پژوهش بررسی کرده است که آیا مسائل مربوط به سیاست‌های جاسازی شده با ویژگی‌های متقاعدکننده باعث جلب توجه بیشتر، زمان طولانی‌تر و مشارکت بیشتر می‌شود. در این پژوهش تطبیق اولویت، تطبیق مکان، اثبات اجتماعی و اقتدار به‌عنوان ویژگی‌های اقلی‌کننده در زمینه مشارکت الکترونیکی مشخص شده‌اند. یافته‌ها نشان داده است که ترکیبی از ویژگی‌های مرکزی و محیطی در طراحی مشارکت بیشترین تأثیر را دارد، در حالی که تک‌ویژگی‌ها محدودیت‌هایی دارند. نتایج نشان داده است که برای طراحی ابزارهای مشارکت الکترونیکی، به در نظر گرفتن جنبه‌های روان‌شناختی شهروندان برای ایجاد انگیزه در مشارکت‌های آن‌ها نیاز است. سووایز (۲۰۱۷ م) در پژوهشی به بررسی روابط بین «سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندان و عملکرد بخش عمومی در تایلند» پرداخته است. یافته‌ها نشان داده است که شبکه‌های اجتماعی، انگیزه و توانایی شهروندان را برای مشارکت در امور عمومی افزایش می‌دهند و از این رو می‌توانند اثربخشی تأمین کالاهای عمومی را افزایش دهند. مقامات استانی و محلی با افزایش منابع دولتی تمایل زیادی به بهبود کالاها و خدمات عمومی ندارند، بنابراین در تایلند جایی که مسئولیت‌پذیری بخش دولتی اغلب ضعیف است، سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان می‌تواند پاسخگویی و عملکرد بخش عمومی را بهبود بخشد.

مشارکت اجتماعی

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف نموده‌اند (عظیمی هاشمی، طباطبایی و هدایتی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). بتلی، مشارکت را کمک به برنامه‌ریزی جامع، عادلانه و برنامه‌ریزی مشارکتی و بودجه و ارائه خدمات بهبودیافته به‌خصوص برای فقرا و محرومان جامعه می‌داند (بتلی و رز، ۲۰۱۱: ۲۳۲). مشارکت به‌عنوان فرآیند تعاملی چندسویه شامل ابعاد مختلف است که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن مشارکت اجتماعی می‌باشد. به نظر می‌رسد مشارکت اجتماعی، علاوه بر اینکه در رابطه دوسویه با سایر ابعاد مشارکت (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) قرار دارد، به‌نوعی زیربنای سایر ابعاد مشارکت نیز محسوب می‌شود (غفارزاده و صباغ، ۱۳۹۵: ۲۵).

پژوهش‌ها نشان داده است که از دهه ۱۳۹۰ به بعد به‌تدریج موضوع مشارکت اجتماعی وارد ادبیات سیاسی، اجتماعی و سیاست‌گذاری عمومی شده است. کاربردهای اولیه این موضوع بیشتر در موارد مرتبط با معلولین و بزرگسالان و نوع مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی و مسائل مرتبط با بهداشت و سلامت بوده است؛ اما کم‌کم مشارکت اجتماعی به موضوعاتی مانند نامتمرکز کردن مدیریت، توسعه مشارکتی، مدیریت منابع، مسائل زیست‌محیطی، مشارکت سیاسی، مشارکت مدنی و تشویق مشارکت جوانان در فرایندهایی مانند رأی دادن، نمایندگی و فعالیت‌های داوطلبانه رسوخ پیدا کرده است (قیصری، ۱۳۹۸: ۳۳). مشارکت اجتماعی را ایجاد فرصت قادر کردن همه اعضای جامعه برای همکاری فعالانه، نفوذ بر فرایند توسعه و سهم‌شدن در منافع حاصل از توسعه تعریف می‌کنند (اسدپور، انتظامی و احمدی، ۱۳۹۷: ۶۸). به بیانی مشارکت اجتماعی وضعیتی است که افراد آگاهانه از لحاظ نگرشی و رفتاری نسبت به کنش‌های نوع‌دوستانه، مسئولیت‌های اجتماعی و دیگر کنش‌های فعال مدنی، علاقه و توجه فعال نشان می‌دهند.

برخی محققان شش متغیر برای نشان دادن مشارکت اجتماعی لحاظ کرده‌اند. این متغیرها شامل پشتیبانی غیررسمی از دیگران، ملاقات (حداقل) هفتگی با دوستان، داشتن

یک حساب شبکه اجتماعی آنلاین، دیدن کودکان حداقل چهار بار در ماه، حضور در یک باشگاه یا گروه و انجام فعالیت‌های داوطلبانه می‌دانند (داوسن، ۲۰۱۹: ۲). همچنین تحقیقات نشان داده است که مشارکت اجتماعی شامل دو مؤلفه مهم است: مشارکت غیررسمی و مشارکت رسمی. مشارکت غیررسمی به میزان تعامل با دوستان، همسایگان و اعضای خانواده اطلاق می‌شود و مشارکت رسمی به مشارکت در سازمان‌های رسمی، گروه‌های اجتماعی و کارهای داوطلبانه جامعه اشاره دارد (هی و همکاران، ۲۰۲۰: ۳).

از طرفی مشارکت اجتماعی در دو بُعد نوع دوستانه و مدنی نیز مورد توجه است: بُعد مشارکت نوع دوستانه، به معنای علاقه و اعتنای فرد نسبت به کنش‌های مبتنی بر اعمال نوع دوستانه و اولویت منافع دیگران بر نفع شخصی است، افراد در این وضعیت، به مجموعه فعالیت‌ها و کنش‌های مرتبط با نفع دیگران و بدون چشمداشت آنی، مبادرت می‌ورزند.

بُعد مشارکت مدنی، به معنای علاقه و اعتنای فرد نسبت به کنش‌های اجتماعی مرتبط با شکل‌گیری جامعه مدنی است. افراد در این وضعیت، به مجموعه فعالیت‌های مبتنی بر منافع عمومی در قالب شاخص‌های جامعه مدنی مبادرت می‌ورزند. در این نوع مشارکت منافع و آثار مطلوب مشارکت به صورت غیرمستقیم و در یک فرایند اجتماعی به افراد مشارکت‌کننده بازمی‌گردد (فتحی و میرزاپوری، ۱۳۹۵: ۹۰-۸۹).

مسائل عمومی

شناسایی و تشخیص مسئله عمومی، به عنوان هسته مرکزی مباحث خط‌مشی‌گذاری محسوب می‌شود. یکی از اهداف در این مرحله از خط‌مشی‌گذاری، بالا بردن ظرفیت حل مسائل عمومی می‌باشد (دقتی، یعقوبی، کمالیان و دهقانی، ۱۳۹۸: ۲۰۴). در نتیجه مشاهده می‌شود که تلاش گروه کثیری از گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در فراگرد خط‌مشی‌گذاری عمومی، بر مرحله شناسایی و تعریف مسئله عمومی متمرکز می‌شود (پورعزت و هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۱).

شناسایی و تشخیص مسئله مستلزم آن است که خط‌مشی‌گذاران با جامعه ارتباط نزدیکی داشته باشند و در جریان این ارتباط و تعاملات، بتوانند مسائل را دریافت و درک کنند (الوانی، ۱۳۹۵: ۴۳). مسئله عمومی مفهومی چندوجهی است (سنگ، ۲۰۱۶: ۸۴۰)، در نتیجه علاوه بر اینکه شناسایی ابعاد مسئله عمومی کاری دشوار است، گاهی در فراگرد اجماع روی یک مسئله، اختلاف نظر زیادی بین گروه‌های تأثیرگذار ایجاد می‌شود، به طوری که ممکن است گروه‌ها درباره ماهیت مسئله عمومی نیز دچار اختلاف نظر شوند (وایت و بورنه، ۲۰۰۷: ۵۸۸).

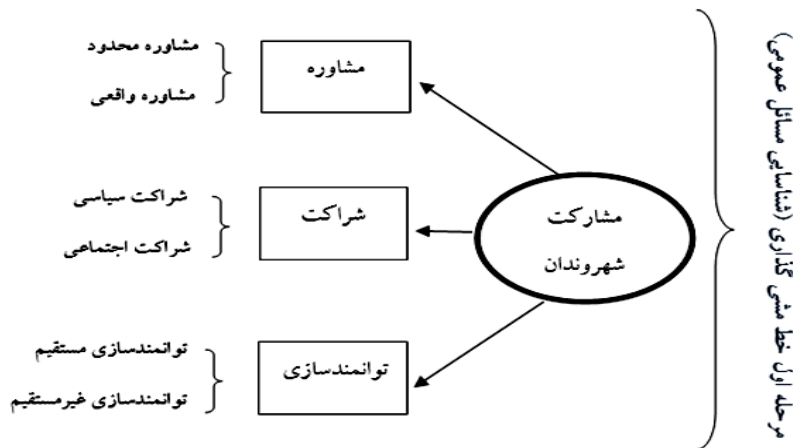
مسئله به طور کلی عبارت است از مانعی که بر سر راه رسیدن به اهداف قرار می‌گیرد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۶). حوزه عمومی قلمرو ویژه‌ای است که در تقابل با حوزه خصوصی تعریف می‌شود (دانشفرد، ۱۳۹۵: ۷۸). مسائل عمومی از دل فشارهای ایجادشده به وسیله مشکلاتی برآمده است که بر خواسته‌های جامعه تأثیر می‌گذارند (الوانی و شلویری، ۱۳۹۱: ۱۱). اهتمام به شناسایی مسئله یا مشکل گاهی به صورت ذهنی، گاهی به صورت عینی و گاهی نیز به هر دو صورت بروز می‌کند. به هنگام شناسایی عینی مشکلات، در سنجش و بررسی پیامدها، رویدادها و مسائل اجتماعی از معیارهای علمی استفاده می‌شود، بدون توجه به آنکه آحاد مردم چگونه تأثیر این رویدادها را تفسیر می‌کنند، درحالی‌که در شناسایی مشکلات به صورت ذهنی و نظری بر چگونگی بررسی و تفسیر مسائل تأثیر اساسی دارند. شناسایی ذهنی رویدادها از طریق انتخابات و نمایندگی مسائل و مشکلات نیز شکل می‌گیرد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۷). حل مسائل عمومی نیازمند نوعی عمل جمعی و یکپارچه می‌باشد. واقعیت این است که اگر از راه حل یک مسئله، حمایت سیاسی مناسب و به‌هنگام صورت نگیرد، در غیر این صورت حل آن‌ها با توفیق چندانی روبه‌رو نخواهد شد (کینگمن، ۲۰۱۶: ۴۳۷).

از نگاه جامعه، مسائل و موضوعات عمومی، آن‌هایی هستند که به دلیل تأثیرات گسترده و عمومی‌شان، به فرایند خط‌مشی عمومی راه می‌یابند. مسائل عمومی، خواست‌های عموم

1. Tsang
2. White & Bourne
3. Qingmin

جامعه است که در دستور کار خط‌مشی دولتی قرار می‌گیرند و بر اساس آن‌ها خط‌مشی دولتی تنظیم می‌شود. مشکلات و مسائل بسیاری وجود دارد که جامعه می‌خواهد آن‌ها حل شود، اما تنها مسائلی که به اندازه کافی از سوی خط‌مشی‌گذاران مهم و جدی تلقی شوند، در دستور کار خط‌مشی دولتی قرار می‌گیرند. مسئله‌ای که راه خود را در دستور کار خط‌مشی دولتی باز کند، وارد فرایند خط‌مشی دولتی شده و در نهایت نوعی از خط‌مشی دولتی بر اساس آن تنظیم می‌شود (گیوریان و مندجین، ۱۳۹۶: ۳۱).

با بررسی ادبیات پژوهش و مطالعه جامع دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه مشارکت و خط‌مشی عمومی، چهارچوب نظری پژوهش احصاء شد و مدل شکل (۱) ارائه گردید.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق مستخرج از ادبیات پژوهش و نظرات صاحب‌نظران

روش‌شناسی تحقیق

مبنای فلسفی پژوهش حاضر، پراگماتیسم، جهت‌گیری آن توسعه‌ای، رویکرد پژوهش، تحلیل محتوای استقرایی، روش پژوهش آمیخته (کیفی- کمی)، هدف پژوهش اکتشافی بوده که به صورت میدانی اجرا شده و استراتژی آن نیز روش دلفی است. این پژوهش در سه مرحله انجام شده است: مرحله اول: تحلیل محتوای موضوع پژوهش، مرحله دوم: اجرای دلفی در سه دور و مرحله سوم: اجرای آزمون.

مرحله اول: تحلیل محتوا، در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای استقرایی به بررسی نظریه‌های مشارکت و مطالعات پشتیبان آن‌ها پرداخته شده است. در ابتدا مفاهیم کلیدی در ادبیات نظری موضوع پژوهش، بررسی و نتایج حاصله در قالب ۱۵۰ مفهوم استخراج شد. سپس نُه مفهوم که دارای فراوانی بیشتر و مرکز اشتراک نظریه‌ها و الگوها بودند، در قالب (نُه بعد)، انتخاب شدند و مابقی مفاهیم در دو قالب مؤلفه و شاخص متناسب با ماهیت ابعاد و تناسب آن با مؤلفه و بر مبنای ادبیات نظری در قالب (۲۱ مؤلفه) و (۸۴ شاخص) دسته‌بندی شدند.

مرحله دوم: پانل دلفی در این تحقیق اعضای هیئت علمی دانشگاه و شامل پنج دانشگاه (تهران، علامه طباطبایی، پیام نور تهران، علوم و تحقیقات تهران و دانشگاه آزاد اراک) در مجموع شامل (۳۰ نفر) بودند. اعضای این جامعه کسانی هستند که: ۱- دکترای مدیریت دولتی داشته باشند و حداقل دارای مرتبه استادیاری باشند. ۲- اساتیدی که تألیف، طرح و مقالاتی در حوزه علمی مرتبط با موضوع پژوهش داشته‌اند. در نتیجه جامعه آماری روش دلفی در قالب خبرگان علمی (اساتید هیئت علمی دانشگاه در حوزه مدیریت دولتی) انتخاب شدند. با توجه به رویکرد حاکم بر تحقیق که مبنی بر احصای مهم‌ترین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، روش نمونه‌گیری جهت اخذ نقطه‌نظرات خبرگان پیرامون موارد احصائی، مورد استفاده قرار گرفت. در پژوهش حاضر اجرای دلفی در مرحله سوم پایان یافت و سؤالات برای آزمون در جامعه نمونه در سه بعد و شش مؤلفه و ۲۷ شاخص طراحی شده است. در ادامه جهت تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل دلفی از ضریب هماهنگی کندال استفاده شده است. نتایج محاسبات ضریب کندال را نشان می‌دهد. مقدار این ضریب در دور اول دلفی ۰/۳۲۴، در دور دوم دلفی ۰/۴۴۳ و در دور سوم ۰/۶۶۹ به دست آمده است. به منظور افزایش روایی پرسشنامه از نسبت اعتبار محتوای سی وی آر استفاده شده است. بر اساس جدول سی وی آر، با توجه به تعداد ۳۰ ارزیاب، حداقل مقدار قابل قبول سی وی آر مقدار ۰/۳۳ می‌باشد. با توجه به اینکه میانگین مقادیر سی وی آر به دست آمده معادل ۰/۸۲ بوده و مقدار آن بزرگ‌تر از مقدار ۰/۳۳ می‌باشد، در نتیجه اعتبار روایی ابزار گردآوری اطلاعات تأیید گردید.

مرحله سوم: جامعه آماری جهت تست مدل، مراجعین به مجلس شورای اسلامی ایران در نظر گرفته شده‌اند. جهت محاسبه حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است، با استفاده از جدول مورگان، تعداد نمونه آماری ۳۸۴ نفر برآورد شده است. همچنین جهت بررسی پایایی تحقیق از شاخص پایایی ترکیبی استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی در دو نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و Smart PLS با سطح اطمینان ۹۵٪ انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال‌های تحقیق در قالب تحلیل عاملی مرتبه سوم بررسی شدند که نتیجه آن در ادامه آمده است. مدل عاملی مرتبه سوم را نوعی از مدل‌های عاملی تعریف می‌کنند که در آن عامل‌های مکنون که با استفاده از مؤلفه‌هایی اندازه‌گیری می‌شوند، خود تحت تأثیر یک متغیر زیربنایی تر و به عبارتی متغیر مکنون، اما در یک سطح بالاتر قرار دارند (سیدعباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

به دلیل اینکه در این تحقیق، هر کدام از مؤلفه‌ها می‌توانند به‌عنوان نشانگر مشارکت شهروندان عمل کنند، تحلیل عاملی مرتبه سوم انجام گرفته و آزمون الگوی پژوهش از طریق بررسی ضرایب مسیر (بارهای عاملی) و تحلیل عاملی به دست آمده است. جدول (۱) الگوی کیفی مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) را نشان می‌دهد. این الگو دارای سه بعد، شش مؤلفه، ۲۷ شاخص می‌باشد.

جدول ۱: الگوی کیفی مشارکت شهروندان شناسایی مسائل عمومی

مفهوم	ابعاد	مؤلفه	شاخص	
مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی	مشاوره	محدود	۱- نشریات باز جهت اظهارنظر مردم و گروه‌ها	
			۲- تبادل اطلاعات از طریق ضمیمه روزنامه‌ها، پوسترها	
			۳- ارتباط با گروه‌های ذی‌نفع و سازمان‌یافته	
			۴- ملاقات دوره‌ای مسئولان با نمایندگان احزاب و اصناف	
			۵- شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگوهای آنلاین تخصصی	
	واقعی		۶- نظرسنجی از عموم جامعه و تحلیل پاسخ‌ها	
			۷- همایش‌های عمومی و پاسخ به سؤالات شرکت‌کنندگان	
			۸- دریافت پیشنهادهای و شکایت‌ها	
			۹- جلسات گردهمایی و رأی‌گیری مشورتی	
			۱۰- جلسات احزاب، گروه‌های بزرگ و اثرگذار	
مشارکت	سیاسی		۱۱- نتایج گزارش کنفرانس‌های تخصصی جهت اجماع و ژرف‌نگری	
			۱۲- تقویت مشارکت متخصصان در گروه‌های کاری	
			۱۳- استفاده از قدرت تصمیم‌گیری گروه‌های سازمان‌یافته تخصصی (دولتی، خصوصی)	
			۱۴- فعالیت مطبوعاتی و پرداختن به واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توسط متخصصان	
	اجتماعی			۱۵- جلسات گردهمایی نخبگان توسط گروه‌ها احزاب و تشکل‌ها جهت تصمیم‌گیری مشارکتی
				۱۶- آزادی مطبوعات در بیان ایده‌خبرگان و فعالان اجتماعی
				۱۷- فرصت‌های مشارکتی گروه‌های سازمان‌یافته با رویکرد تمرکززدایی
				۱۸- انتقال دیدگاه نخبگان محلی از طریق گزارش، مصاحبه و ...
توانمندسازی	مستقیم		۱۹- کمیته‌های هماهنگی توسعه افکار و توانمندسازی گروه‌ها و احزاب	
			۲۰- تفویض اختیار سازمان‌های خط‌مشی‌گذار به گروه‌های سازمان‌یافته	
			۲۱- رقابت میان مراکز مختلف تصمیم‌گیری در سازمان‌ها، گروه‌ها و احزاب	
			۲۲- کارگاه‌های آموزشی با مشارکت گروه‌های کوچک و بزرگ سازمان‌یافته	
	غیرمستقیم			۲۳- تفویض اختیار هیئت‌مدیره به مدیران
				۲۴- گروه‌های شهروندی و ارائه ایده‌های خلاقانه
				۲۵- کمیته‌های نظارت غیردولتی بر مؤسسات دولتی
			۲۶- آموزش اصحاب رسانه توسط نخبگان جهت شناخت و انعکاس و تحلیل فعالیت گروه‌ها، تشکل‌ها و احزاب	
			۲۷- نظام بازرسی مستقل و خودجوش بر فعالیت گروه‌ها تشکل‌ها و احزاب	

تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد که از میان ابعاد سه‌گانه مؤثر بر مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی، بُعد مربوط به شراکت با ضریب تأثیر (بار عاملی) $0/84$ اثرگذارترین بُعد است. پس از آن بُعد مربوط به مشاوره با ضریب تأثیر (بار عاملی) $0/83$ در رتبه دوم و در نهایت بُعد مربوط به توانمندسازی با ضریب تأثیر (بار عاملی) $0/80$ در رتبه سوم جای می‌گیرند. جدول (۲) رتبه‌بندی ابعاد مؤثر بر مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی را نشان می‌دهد. همچنین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، مؤلفه شراکت اجتماعی با بار عاملی $0/95$ ، توانمندسازی مستقیم با بار عاملی $0/91$ ، مشاوره واقعی با بار عاملی $0/90$ ، مشاوره محدود با بار عاملی $0/89$ ، توانمندسازی غیرمستقیم با بار عاملی $0/87$ و شراکت سیاسی با بار عاملی $0/86$ ، به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی هستند. در حوزه شاخص‌های پژوهش، آزادی مطبوعات در بیان ایده‌خبرگان و فعالان اجتماعی، فرصت‌های مشارکتی گروه‌های سازمان‌یافته با رویکرد تمرکززدایی (از شاخص‌های مربوط به مؤلفه شراکت اجتماعی)، تفویض اختیار سازمان‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی به گروه‌های سازمان‌یافته، رقابت میان مراکز مختلف تصمیم‌گیری در سازمان‌ها و گروه‌ها و احزاب (از شاخص‌های مربوط به مؤلفه توانمندسازی مستقیم)، همایش‌های عمومی و پاسخ به سؤالات شرکت‌کنندگان، دریافت پیشنهادها و شکایت‌ها (از شاخص‌های مربوط به مؤلفه مشاوره واقعی)، ارتباط با گروه‌های ذی‌نفع و سازمان‌یافته، ملاقات دوره‌ای مسئولان با نمایندگان احزاب و اصناف (از شاخص‌های مربوط به مؤلفه مشاوره محدود)، گروه‌های شهروندی ارائه‌آرای خلاقانه، آموزش اصحاب رسانه توسط نخبگان جهت شناخت و انعکاس و تحلیل فعالیت گروه‌ها. تشکل‌ها و احزاب (از شاخص‌های مربوط به مؤلفه توانمندسازی غیرمستقیم)، استفاده از قدرت تصمیم‌گیری گروه‌های سازمان‌یافته تخصصی (دولتی، خصوصی) و تقویت مشارکت متخصصان در گروه‌های کاری (از شاخص‌های مربوط به مؤلفه شراکت اجتماعی) بیشترین تأثیر را بر مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی دارند.

جدول ۲: رتبه‌بندی ابعاد مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی

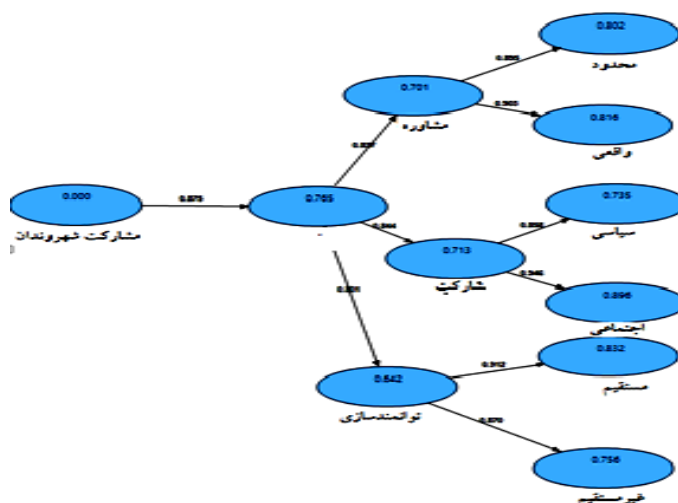
رتبه	بار عاملی	ابعاد	سازه
۲	۰/۸۳	مشاوره	مشارکت شهروندان
۱	۰/۸۴	شراکت	
۳	۰/۸۰	توانمندسازی	

میزان اثرگذاری مؤلفه‌های مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی و رتبه‌بندی آن‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳: میزان اثرگذاری مؤلفه‌های مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی

رتبه	بار عاملی	مؤلفه	ابعاد	سازه
۴	۰/۸۹	محدود	مشاوره	مشارکت شهروندان
۳	۰/۹۰	واقعی		
۶	۰/۸۶	سیاسی	شراکت	
۱	۰/۹۵	اجتماعی		
۲	۰/۹۱	مستقیم	توانمندسازی	
۵	۰/۸۷	غیرمستقیم		

شکل (۲) الگوی کمی مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) را نشان می‌دهد.



شکل ۲: مدل کمی مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هدف اصلی این پژوهش ارائه مدلی برای مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی) می‌باشد، چراکه بررسی مطالعات پیشین بیانگر آن است که در ادبیات موضوع، مدل یکپارچه‌ای که به‌صورت خاص و در قالب خط‌مشی‌گذاری عمومی به‌سنجش مشارکت شهروندان پردازد، وجود ندارد. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی دارای سه بُعد اصلی مشاوره، شراکت و توانمندسازی می‌باشد.

فناوری‌های جدید، راه‌ها و کانال‌های جدیدی را برای درگیری و مشارکت عمومی در فرایند خط‌مشی‌گذاری گشوده‌اند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، خط‌مشی‌گذاران را از طریق تسهیل فرایند مشورت و تبادل نظر در سیاست‌گذاری پشتیبانی می‌کنند. در واقع می‌توان تبادل نظر الکترونیکی را مشورت و تبادل نظر مبتنی بر اینترنت و شبکه معرفی کرد. مطابق با نتایج این پژوهش، فناوری‌های ارتباطی که می‌تواند مورد استفاده مشاوره و نظرخواهی الکترونیکی قرار بگیرد، شامل اینترنت، ایمیل، تلفن و موبایل، ویدئوکنفرانس و ابزارهایی نظیر آن است. مشاوره و نظرخواهی الکترونیکی به‌ویژه زمانی که همراه با سایر ابزار مشارکت عمومی به کار برده شود، ابزاری ارزشمند است. برخی از مزایای این ابزارها شامل دسترسی به عقاید جمعیت گسترده، استفاده از طیف گسترده از ابزارها و مهارت‌های ارتباطی به‌منظور دسترسی به نظرات جمعیت هدف، ایجاد نوعی مشاوره و نظرخواهی غیررسمی از طریق در دسترس قرار دادن اطلاعات برای مشارکت‌کنندگان و همچنین فراهم آوردن امکان مباحثه‌ها و تبادل نظرهای آنلایین و نظایر این موارد می‌باشد. از سویی استفاده از فناوری‌های جدید ممکن است موجب بالا رفتن و افزایش توقعات و انتظارات شهروندان گردد، در نتیجه شفاف‌سازی و مشخص کردن اهداف مشاوره و نظرخواهی الکترونیکی، شامل تأثیر و ارتباطی که می‌تواند با تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری داشته باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است.

از جمله تحقیقات پیشین که به بُعد مشاوره تحت عنوان رکن یا عامل توجه کرده‌اند، عبارت‌اند از: الگوی حلقه مشارکت کریگتون (۲۰۰۵ م)، نظریه پریسکولی (۲۰۰۳ م)، مدل

مشارکت دریکسل (۲۰۰۱ م)، زنجیره مشارکت مردمی (۲۰۰۱ م). همچنین یافته‌های این تحقیق در مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشاوره با نظرات محققانی همچون پانديا (۲۰۱۵ م)، فونگ (۲۰۱۵ م)، وارن و همکاران (۲۰۱۴ م) و جهانگیری و همکار (۱۳۹۷)، هم‌راستا می‌باشد. این محققان هریک به‌نوعی ارتباط بین بُعد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشاوره را جهت مشارکت مؤثر می‌دانند. با توجه به نتایج پژوهش جهت ارتقای بُعد و مؤلفه‌های مشاوره، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- نظرسنجی و استفاده از ظرفیت عمومی جامعه و تحلیل پاسخ‌ها در جهت کمک به ریشه‌یابی مسائل موجود در جامعه.
 - فراهم آوردن امکان تحلیل مشارکت‌های آنلاین، همچنین ایجاد بازخورد آنلاین مناسب و مرتبط در پاسخ به نکات مورد توجه شهروندان.
 - طراحی و ایجاد طرح‌هایی جهت دریافت پیشنهادهای و شکایت‌های شهروندان و به‌کارگیری و تحلیل نظرات مردمی همراه با رأی‌گیری مشورتی در راستای ریشه‌یابی مشکلات عمومی.
 - گسترش فرهنگ استفاده از سیستم‌های خدمات الکترونیک جهت افزایش سرعت و سهولت در شیوه‌های نوین مشارکتی، با توجه به بررسی زیرساخت‌های فرهنگی، با توجه به پشتیبانی و بهبود مستمر فرایندها.
 - مدیریت مؤثر ایده‌های خلاقانه از طریق توجه و بهره‌گیری از طرح‌های تحقیقاتی.
- توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی مؤثر افراد جامعه وابسته است. فقدان این مشارکت و وفاق اجتماعی زمینه برخورد و اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش‌های مختلف (خصوصی و عمومی) در جامعه فراهم می‌آورد و موجب می‌گردد بخش اعظمی از منابع کمیاب کشور صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخوردها گردد. از این رو مطابق با نتایج این تحقیق، نگرش برنامه‌ریزان و خط‌مشی‌گذاران در قرن بیست و یکم، بایستی معطوف به افزایش نقش مشارکت‌های مردمی در فرآیند توسعه و به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد. از یک طرف، ارگان‌های مرکزی دولت می‌توانند با واگذاری قسمتی از فعالیت‌ها به

ارگان‌های محلی، توجه و حمایت بیشتری به مشکلات کلیدی کشور داشته و با صرف وقت و فراغت بیشتری به برنامه‌ریزی در سطح ملی و سرپرستی و نظارت آن‌ها پردازند. از طرف دیگر، تقویت ارگان‌ها و سازمان‌های محلی در حالت عدم تمرکز، یکی از شیوه‌های مهم افزایش مشارکت و وفاق اجتماعی در مسائل اجتماعی، اداری، عمرانی و سیاسی کشور می‌باشد. در واقع طرح‌های برون‌سپاری، همکاری با دیگر سازمان‌ها و تعامل با جوامع، تلاش‌هایی هستند که ارائه خدمات مشروع و مؤثر در راستای رفع نیازهای جامعه را میسر می‌کنند. می‌توان گفت، ایجاد سیاست‌های سالم برای اثرگذاری مردم در فرایندهای دموکراتیک، بخش مهمی از برنامه‌های دولتی برای نوسازی دموکراتیک می‌باشد. مشارکت عمومی سالم، نمادی از تعهد دولت به گوش کردن به صدای مردم و گروه‌های ذی‌نفع در هنگام سیاست‌گذاری می‌باشد. در واقع سیاست‌گذاری‌های درست و سالم موجب سنبل‌سازی از تعهد دولت می‌شوند و به ایجاد اعتماد عمومی به دولت و افزایش مشروعیت تصمیمات اتخاذ شده کمک می‌کنند. در این راستا، تدوین راهبردهایی مبتنی بر سازمان‌دهی مردمی در رابطه با سیاست‌ها و خطی‌مشی‌هایی که در جهت کسب مشارکت حداکثری مردم تنظیم می‌گردند، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. البته باید اشاره نمود که سیاست‌های مشارکتی، به‌خودی‌خود بدون همراهی با سیاست‌هایی که در جهت برقراری تساوی و عدالت اقتصادی مطرح می‌شوند، قادر نخواهند بود تأثیری مثبت بر مطلوبیت و کارایی ارگان‌ها و نهادها در جامعه داشته باشند.

از جمله تحقیقات پیشین که به بُعد شراکت تحت عنوان رکن یا عامل توجه کرده‌اند، عبارت‌اند از: نظریه پریسکولی (۲۰۰۳ م)، مدل مشارکت دریکسل (۲۰۰۱ م)، نردبان مشارکت ارنشتاین (۱۹۶۹ م). همچنین یافته‌های این تحقیق در مؤلفه و شاخص‌های شراکت با نظرات محققانی همچون شاتن و همکاران (۲۰۱۷ م)، شادل و همکار (۲۰۱۶ م)، محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۵) و هریس و همکاران (۲۰۱۲ م)، هم‌راستا می‌باشد. این محققان هر یک به‌نوعی ارتباط بین بُعد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های شراکت را جهت مشارکت مؤثر می‌دانند.

با توجه به نتایج پژوهش در راستای تقویت بُعد و مؤلفه‌های شراکت، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- آزادی مطبوعات در بیان ایده خبرگان و پرداختن به واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توسط متخصصان.
 - برگزاری جلسات گردهمایی نخبگان توسط گروه‌ها، احزاب و تشکل‌ها، جهت رسیدن به اتفاق نظر و تصمیم‌گیری مشارکتی.
 - ممانعت از تسلط گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های خاص به منظور جلوه دادن مسائل شخصی و خصوصی خود به جای مسائل عمومی جامعه و ورود به دستور کار جهت منافع افراد و گروه‌های خاص.
 - تقویت و ارائه کنفرانس‌های خبری در رسانه‌ها با تأکید بر مسائل روز کشور و تحلیل نکات کاربردی در راستای آگاه‌سازی و روشنگری اذهان عمومی شهروندان در تشخیص مسائل جاری جامعه.
 - اهتمام جهت حمایت از فعالیت گروه‌ها و تشکل‌ها و کمک به بهبود توان تخصصی آنان و تسهیل فعالیت آنان در جهت کمک به تشخیص و شناسایی مسائل کشور.
- توانمندسازی در قالب تفویض اختیار، افراد را قادر می‌سازد در لایه‌های پایین جوامع به تصمیم‌گیری بپردازند. توانمندسازی، دادن قدرت به افراد نیست، افراد هم‌اکنون هم قدرت زیادی به صورت (سرمایه‌ای از دانش و انگیزش) دارند که با استفاده از آن می‌توانند کار خود را به نحو مطلوب انجام دهند، در واقع توانمندسازی آزاد کردن این قدرت است. سه رکن اساسی توانمندسازی مشارکت همگانی در اطلاعات، ایجاد خودمختاری با تعیین حدود و مرزها و جایگزینی تیم‌های خودگردان به جای سیستم‌های سلسله‌مراتبی است و کمک به اجرایی نمودن این ارکان می‌تواند موجب شکوفایی توانمندسازی گردد. با عنایت به موارد مطرح‌شده و مطابق با نتایج این پژوهش، حاکمیت‌ها می‌توانند با توجه بیشتر و بسترسازی مناسب در جهت ایجاد کمیته‌های هماهنگی جهت توسعه افکار و توانمندسازی گروه‌ها، احزاب و تشکل‌ها، زمینه‌های لازم جهت توانمندسازی شهروندان را فراهم آورند.

از جمله تحقیقات پیشین که به بُعد توانمندسازی تحت عنوان رکن یا عامل توجه کرده‌اند، عبارت‌اند از: نظریه طیف مشارکت عمومی انجمن بین‌المللی مشارکت مردمی (۲۰۰۷ م). همچنین یافته‌های این تحقیق در مؤلفه و شاخص‌های توانمندسازی با نظرات محققانی همچون خسروی و همکاران (۱۳۹۵)، انجورلاس (۲۰۱۵ م)، چیکرما (۲۰۱۳ م) و لی (۲۰۰۱ م)، هم‌راستا می‌باشد. این محققان هریک به‌نوعی ارتباط بین بُعد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توانمندسازی را جهت مشارکت، مؤثر می‌دانند. با توجه به نتایج پژوهش در راستای تقویت بُعد و مؤلفه‌های توانمندسازی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- تفویض اختیار وظایف سازمان‌های دخیل در خط‌مشی‌گذاری به گروه‌های سازمان‌یافته و احزاب متخصص به‌طور مستقل، جهت شناسایی و ریشه‌یابی مشکلات عمومی.
- ایجاد رقابت میان مراکز مختلف تصمیم‌گیری در سازمان‌ها، گروه‌ها و احزاب جهت ارتقای توانمندی و بهبود تصمیم‌گیری‌ها در خصوص مسائل.
- امکان دستیابی گروه‌ها، سازمان‌ها و تشکل‌های داوطلب به منابع آموزشی (کارگاه‌ها، سمینارها) در جهت علم‌آموزی اصولی از شیوه‌های نوین مشارکت.
- عضویت احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های غیردولتی در کمیته‌های نظارت بر مؤسسات دولتی مرجع و بررسی‌کننده مسائل کشور.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- اسدپور، عهدیه؛ انتظاری، علی و احمدی آهنگ، کاظم، (۱۳۹۷)، «مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان آمل)»، «جامعه‌شناسی کاربردی»، دوره ۲۹، شماره ۳، صص ۸۶-۶۷.
- الوانی، مهدی، (۱۳۹۵)، «تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران، انتشارات سمت.
- الوانی، مهدی و شریف‌زاده، فتاح، (۱۳۹۴)، «فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی»، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- الوانی، مهدی و شلویری، میناق، (۱۳۹۱)، «مدیریت مسائل عمومی»، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ سوداگر، هاشم؛ سعدآبادی، علی‌اصغر و هاشمی کاسوایی، مینا، (۱۳۹۸)، «شاخص‌های اولویت‌بندی عادلانه مسائل عمومی»، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۶۹-۱۳۹.
- پورعزت، علی‌اصغر و هاشمی کاسوایی، مینا، (۱۳۹۶)، «مسئله عمومی چالش آغازین خط‌مشی‌گذاری دولتی»، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- جهانگیری، جهانگیر و محمدی، فرزانه، (۱۳۹۷)، «مقایسه میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان شهرستان نورآباد ممسنی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، «علوم اجتماعی»، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۲۶-۱.
- خسروی، محمدعلی و شهسواری فرد، شهره، (۱۳۹۵)، «فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی جمهوری اسلامی ایران»، «دولت‌پژوهی»، دوره ۲، شماره ۸، صص ۲۲۹-۱۸۹.
- دانشفرد، کرم‌الله، (۱۳۹۵)، «فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی»، تهران، انتشارات صفار.
- دانشفرد، کرم‌الله، (۱۳۹۵)، «روش بررسی و تحلیل مسائل مدیریت»، تهران، انتشارات صفار.
- دقتی، عادل؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کاملیان، امین‌رضا و دهقانی، مسعود، (۱۳۹۸)، «ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای با استفاده از رویکرد فراترکیب»، «رسالت مدیریت دولتی»، (۲): ۱۱-۲۳۰-۲۰۳.
- رضوی‌نژاد، سید امین و ملک‌محمدی، حمیدرضا، (۱۳۹۷)، «درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی»، «مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی»، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۲۹۶-۲۷۹.
- سلیمانی خویینی، مهدی؛ دانش فرد، کرم‌الله و نجف‌بیگی، رضا، (۱۳۹۸)، «الگوی اقتضایی شناسایی مسائل عمومی در فرایند خط‌مشی‌گذاری ایران با تأکید بر عوامل پیش‌ران»، مدیریت دولتی (دانش مدیریت)، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۵۵۶-۵۳۰.

- سید عباس زاده، میرمحمد؛ امانی، جواد؛ خضری آذر، هیمن و پاشوی، قاسم، (۱۳۹۳)، «مقدمه‌ای بر مدل بایبی معادلات ساختاری به روش PLS و کاربرد آن در علوم رفتاری»، ارومیه، انتشارات دانشگاه ارومیه.
- عظیمی هاشمی، مژگان؛ قاضی طباطبایی، محمود و هدایتی، علی اصغر، (۱۳۹۴)، «مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن»، «زن و جامعه»، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۰۵ تا ۱۲۴.
- غفارزاده خویی، پریسا و صباغ دهخوار قانی، صمد، (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، «مطالعات جامعه‌شناسی»، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۲۵-۳۶.
- فتحی، سروش و میرزاپوری ولوکلا، جابر، (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر مشارکت اجتماعی (مورد پژوهش: جوانان شهر بابل)»، «مطالعات جامعه‌شناختی جوانان»، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۸۷-۱۰۰.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۹۷)، «حقوق بشر در جهان معاصر، درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع»، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قیصری، نورالله، (۱۳۹۸)، «مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی»، «نشریه علمی مطالعات راهبردی ناچا»، ۴(۱۱): ۵۹-۳۱.
- گرجی‌پور، حسین؛ خاشعی، وحید؛ اسلامبولچی، علیرضا و اصغری صارم، علی، (۱۳۹۸)، «الگوی ارزشیابی فرایند خطمشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد مطالعه کیفی اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، «مدیریت دولتی»، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۷۲-۴۷.
- گیوریان، حسن و مندیجین، محمدرضا، (۱۳۹۶)، «فرایند خطمشی‌گذاری دولتی پیشرفته»، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ آقاجانی، حسین و عزیزخانی، اقباله، (۱۳۹۵)، «تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن»، «مطالعات جامعه‌شناختی شهری»، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۱-۳۲.
- مهرگان، فرهاد؛ فقیهی، ابوالحسن و میرسیاسی، ناصر، (۱۳۹۷)، «نقش مشارکت سیاسی و نظام دموکراتیک در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان کرد در منطقه کردستان عراق)»، «خطمشی‌گذاری عمومی در مدیریت»، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۹-۱.

ب. انگلیسی

- Arnstein, S. R. (1969). "A Ladder of Citizen Participation", **AIP Journal**, 35(4), 224-216.
- Batley, R., Rose, P. (2011). Analyzing collaboration between non governmental service providers and governments. **Public Administration and Development**, 31(4), 230-239.

- Chikerema,AF.(2013). Citizen Participation and Local Democracy in Zimbabwean Local Government System. **IOSR Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS)**,13(2), 87-90.
- Creighton, JL.(2005). **The Public Participation Handbook: Making better Decisions Through Citizen Involvement**. San Francisco.
- Dawson-Townsend Kathryn.(2019). Social participation patterns and their associations with health and well-being for older adults, *SSM - Population Health*, Volume 8, August 2019, 100424.
- Driskell, D.(2001). **Creating Better Cities with Children and Youth**. UNESCO Earthscan Publications, Paris/London.
- Enjolras,B. (2015). Opportunity structure for citizens' participation in a European network civil society: A theoretical perspective” In *CivilSociety in Comparative Perspective*. **Comparative social research**, 26(4),227-241.
- Fung, A.(2015). Putting the Public Back into Governance: The Challenges of Citizen Participation and Its Future. **Public Administration Review**, 75(4),513-522.
- Harris, C., Carney,GM., Farrell, DM. (2013). Ule by the people? Alternativeperspectives on citizen participation in democratic policymaking. **Administration**, 60(3), 201–209.
- He Tao, Huang Changqin, Li Ming, Zhou Yuqiong, Li Shihua.(2020). Social participation of the elderly in China: The roles of conventional media, digital access and social media engagement, *Telematics and Informatics*, Volume 48, 101347.
- International Association for Public Participation IAP2.(2007). **Spectrum of public participation** San Francisco, California.
- Lee Habin, Tsohou Aggeliki, ChoiYoungseok .(2017) .Embedding persuasive features into policy issues: Implications to designing public participation processes, **Government Information Quarterly**, Volume 34, Issue 4, Pages 591-600.
- Lee, JA. (2001). **the empowerment approach to social work practice: Building the beloved community**. New York: Columbia University press.
- OECD.(2001).Citizens as Partners - Information, Consultation and Public Participation in Policy-Making, OECD Publications, Paris.
- Pandeya, G P. (2015). Does Citizen Participation In Local Government Decision-Making Contribute To Strengthening Local Planning And Accountability Systems? An Empirical Assessment Of Stakeholders' Perceptions In Nepal. **international Public Management Review**, 16(1), 67-98.
- Priscoli,DJ.(2003). **Participation Consensus Building and Conflict Management Training**, UNESCO.
- Qingmin, Zh. (2016). Bureaucratic Politics and Chinese Foreign Policy-making, **Chinese Journal of International Politics**, 9(4), 435-458.
- Schouten, DG., Paulissen, RT., Hanekamp,M., Groot,A.(2017). Low-literates' support needs for societal participation learning: Empirical grounding of theory- and model-based design. **Cognitive Systems Research**, 45 (4) 30–47.

- Shahidul, M., Swapan, Hasan. (2016). Who participates and who doesn't? Adapting community participation model for developing countries. **Cities**, 53 (1) 70-77.
- Simonofski Anthony, Hertoghe Emile, Steegmans Michiel, Snoeck Monique, Wautelet Yves.(2021). Engaging citizens in the smart city through participation platforms: A framework for public servants and developers, **Computers in Human Behavior**, Volume 124.
- Suebvises Ploy.(2018). Social capital, citizen participation in public administration, and public sector performance in Thailand, **World Development**, Volume 109, Pages 236-248.
- Tsang, J.C. (2016). Coping with Policy Complexity in the Globalized World, **Public Administration Review**, 76(6), 840-841.
- Warren, A M., Sulaiman, A., Jaafar, NI. (2014). Social media effects on fostering online civic engagement and building citizen trust and trust in institutions. **Government Information Quarterly**, 31(2), 291-301.
- White, L., & Bourne, H. (2007). Voices and values: Linking values with participation in OR/MS in public policy making. **The International Journal of Management Science**, Omega, 35(1), 588-603.

